

بررسی حقوق تطبیقی خشونت در بین زنان منطقه ملامشیه اهواز

لیلا علی پور*^۱، عبدالسعید شجاعی^۲

چکیده

بررسی حقوق زن یکی از مهم‌ترین رشته‌های حقوق بشر محسوب می‌گردد و بعنوان یک شاخص سنجش وضعیت حقوقی بشر می‌توان به آن نگاه کرد. جامعه ما همانند کشورهای دیگر به این پدیده‌ی توجه زیادی شده است و چالش‌های جدی در این خصوص وجود دارد بنابراین هرگونه بررسی و تحقیق در خصوص خشونت و تحلیل واقعیت‌ها از زوایه‌های مختلف و ریشه‌یابی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و جرم‌شناختی آن می‌تواند راهی برای بهتر شدن همه‌جانبه امنیت و ترسیم چشم‌انداز آینده‌ی جامعه، به ویژه در گسترش رویه قضایی و تغییر در معیارهای حقوق بشر موثر واقع گردد. مطالعه حاضر با هدف بررسی حقوق تطبیقی خشونت در بین زنان منطقه ملامشیه اهواز و رابطه آن با متغیرهای اعمال قدرت، حمایت اجتماعی، تحصیلات زنان، پایگاه اقتصادی، مردسالاری، تفاوت‌های فرهنگی، سن و تحصیلات آنان انجام شده است. نوع مطالعه توصیفی - تحلیلی به صورت پیمایشی (کمی) و جامعه مورد مطالعه منطقه ملامشیه اهواز است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده و از روش کوکران حجم نمونه ۳۱۰ شده ولی در این مطالعه به علت افت احتمالی آزمودنی، تعداد ۳۱۰ نفر زنان انتخاب گردید. جامعه آماری ۶۰۰ نفر از زنانی بود که قربانی خشونت شده‌اند. گردآوری داده‌ها باروش پرسشنامه‌ای انجام گرفته و تعداد کویه سوالات ۴۲ تا بوده است که به صورت خودساخته از مبانی نظری پژوهش جهت سنجش واقعیت‌های عینی با تمرکز روی متغیرها و بدون ارزش‌گذاری و با استقلال زمینه‌ها، انجام پذیرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که بر روی ۸۴۸٪ از آزمودنی‌ها خشونت وارد شده است و همچنین برای بررسی متغیرها و رابطه آن با خشونت بین زنان نتایج بدست آمده به ترتیب عبارتند از: مردسالاری، اعمال قدرت، حمایت اجتماعی، تحصیلات زنان، پایگاه اقتصادی، تفاوت فرهنگی می‌باشد که برای اثبات یا رد این فرضیات از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده و با استفاده از تحلیل واریانس بررسی شده‌اند. نتایج یافته‌های پژوهش: (اعمال قدرت ۰/۸۲۹)، (مرد سالاری ۰/۹۵۰)، (حمایت اجتماعی ۰/۷۹۰)، (تحصیلات زنان ۰/۷۲۳)، (پایگاه اقتصادی ۰/۷۱۲)، (تفاوت‌های فرهنگی ۰/۶۸۹) سطح معنی داری ۰/۰۰۰ است که با خطای ۰/۰۵ محاسبه شده است. البته روایی آن با روش محتوایی سازه و صوری تأیید و پایایی اندازه‌گیری، با فرمول آلفای کرونباخ (به اندازه ۰/۷۸۳) تأیید شده است. تعداد زیادی از زنان، خشونت بر اساس مردسالاری و اعمال قدرت مردان در خانواده بر آنها اعمال شده است لذا در این زمینه باید برای این زنان اقدامات مشاوره‌ای و حمایت اجتماعی به طور تخصصی از سوی مسئولین و دولت صورت گیرد.

کلید واژه: حقوق تطبیقی خشونت، زنان، خانواده، اعمال قدرت، تحصیلات زنان، حمایت اجتماعی، پایگاه اقتصادی، مردسالاری، تفاوت فرهنگی.

^۱. دکتر مطالعات زنان، حقوق زن در اسلام، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور. Email: alipou. leila 95@gmail.com

^۲. مربی، گروه حقوق، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور ایران. Email: Sinoli87@yahoo.com

مقدمه

خشونت در خانواده هم در قشرهای پایین و متوسط و هم در قشرهای بالای جامعه و هم در میان افراد باسواد و کم‌سواد دیده می‌شود (اعزازی، ۲۰۰۵). در هر جامعه‌ای شکل‌های خشونت متأثر از ساختارهای قانونی، سنتی، دینی و سیاسی همان جامعه است. تن دادن زنان به خشونت‌هایی که در رابطه با آنها صورت می‌گیرد نیز به همان جهات است. نگاه تحقیرآمیز جامعه به زن مطلقه، ترس از جدایی از فرزندان، فقر بعد از طلاق و ... نمونه‌هایی از دلایل زنان ایرانی برای تحمل انواع خشونت‌های جنسی، روانی، مالی و سیاسی است (کار، ۲۰۰۳). استفاده غیرقانونی و تعرض‌آمیز از قدرت که می‌تواند یک اجبار غیرقانونی بر علیه آزادی‌ها و حقوق عمومی محسوب گردد و در ارتباط با جرائم خشونت‌آمیز به جرائمی که جنبه فیزیکی یا جسمی شدید را دارا باشد که این موارد به عنوان شخیصت و ساختار مجرمان بودن علل فوق‌الذکر از جمله قتل عمد، تجاوز به عنف، کتک زدن و ... به حساب می‌آید (امیری، ۲۰۱۷). در خصوص خشونت خانم رادهیکا کوما به عنوان رابط مخصوص کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۴ میلادی که خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده رخ می‌دهد را مورد توصیف قرار می‌دهد، اما آن را محدود به موارد یاد شده نمی‌داند بلکه، ضرب و شتم، سوء استفاده جنسی از دختر بچه‌ها در محیط خانواده، خشونت مربوط به جهیزیه و مهریه، تجاوز زناشویی، ختنه زنانه و سایر اعمال سنتی آزاردهنده زنان، خشونت غیرهمسر و خشونت وابسته به استثمار را نیز شامل می‌شود (درویش پور و همکاران، ۱۹۹۹). خشونت یک مسئله اجتماعی در بسیاری از کشورهای آسیایی است. نتایج پیمایشی در ژاپن نشان می‌دهد که ۷۶٪ زنان ژاپنی حداقل یک نوع خشونت را تجربه کرده‌اند. طبق این گزارش خشونت یک موضوع خصوصی است و معمولاً پاسخ قابل توجهی به بدرفتاری

زنان است. خشونت یک مسئله خاص مسلمانان نیست از آنجایی که در قرآن خشونت علیه زنان کاملاً منع شده است به نظر می‌رسد که نرخ بالای خشونت علیه زنان در کشورهای اسلامی بیشتر مرتبط با زمینه‌ی فرهنگی است تا هویت مذهبی. طبق تحقیقاتی که پیرامون مسئله خشونت علیه زنان در ایران انجام شده است قربانیان خشونت در کشور، زنان ۲۰ تا ۴۰ سال را تشکیل می‌دهد که ۷۱٪ شکایت‌های آنان منجر به جدایی‌های عاطفی شده است. در این راستا مدت‌هاست که دست اندرکاران امور زنان در صدد تهیه طرحی برای پیشگیری از خشونت علیه زنان در محیط خانواده می‌باشند (اعزازی، ۲۰۱۱). اهمیت موضوع خشونت تا آنجا مطرح شده که سازمان ملل متحد، در ۲۵ نوامبر هر سال روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرده است. از سوی دیگر تحقیقات در ایران حاکی از وجود نرخ تقریباً بالای این پدیده در بین خانواده‌های ایرانی است. این پدیده دارای نتایج نامطلوب و علی‌الخصوص پیامدهای پنهان منفی روانی بر شخصیت فرد قربانی و همچنین با رویکردی سیستمی به مسئله دارای کارکرد ایجاد خلل در اعضای خانواده است و نتایج نامطلوب بر شخصیت سایر افراد خانواده دارد به طور کلی خشونت خانگی سدهی در مقابل نمایش قابلیت‌ها و توانمندی‌های کارآمد زنان در محیط خصوصی و اجتماعی است در واقع پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی حقوق تطبیقی خشونت در بین زنان منطقه ملاحظیه اهواز انجام می‌گیرد که به دنبال راهکارهایی جهت آگاهی دادن خانواده‌ها و علی‌الخصوص زنان پیرامون نقش‌ها و وظایف و حقوق خود در محیط خانواده، همچنین آموزش اعمال روابط و متقارن در نظام خانواده و ارائه پیشنهادات یاد دهنده‌ها چون رسانه‌های جمعی جهت از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی و راهکارهایی جهت ایجاد نگرش جدید در قانون‌هایی علیه زنان و طرح برنامه‌ای اجتماعی در نهاد‌های مشاوره خانواده و کاهش خشونت خانگی علیه

زنان است (حجتی کرمانی، ۲۰۰۲). خشونت علیه زنان به روش‌های متفاوتی در تمامی جوامع امروزی به عنوان یک چالش و پدیده اجتماعی و به صورت شاخص‌های فرهنگی و بومی نمایان می‌شود. در طول تاریخ، انسان‌ها چون همدلی درک درستی از حقوق زنان نداشته‌اند بیشتر اوقات حقوق آنها پایمال شده و یا در عوض دادن حق و حقوق، مورد آزار و اذیت و یا به عبارتی مورد خشونت قرار گرفته‌اند. خشونت فیزیکی علیه زنان که یکی از شکل‌های خشونت علیه زنان است، یکی از مشکلات اجتماعی تمام کشورهای دنیاست (شکرپیگی، ۲۰۱۴)، پژوهش حاضر بر آن است تا خشونت در بین زنان منطقه ملاحظیه اهواز را شناسایی و فرضیه‌های این پژوهش را در محور متغیرهای اعمال قدرت، حمایت اجتماعی، تحصیلات زنان، پایگاه اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی و جنسیتی در ارتباط با خشونت بین زنان بررسی نماید، همچنین به دنبال ارائه راهکارهایی جهت آگاهی دادن به خانواده‌ها، به خصوص زنان، پیرامون نقش‌ها، وظایف و حقوق خود در محیط خانواده است و پیشنهاداتی به نهادهای آموزشی و اعمال کننده یادگیری‌های اجتماعی همچون رسانه‌های جمعی ارائه کند تا به آموزش برقراری روابط درست در خانواده و از بین بردن کلیشه‌های جنسیتی همت گمارند و به دنبال راهکارهایی جهت ایجاد نگرش تغییر در قانون‌هایی باشند که علیه زنان وضع شده است همچنین به طراحی برنامه‌هایی در نهادهای مشاوره خانواده و نهادهای مرتبط با زنان کمک کنند. خشونت پدیده‌ای قدیمی و جهانی است که نمی‌توان آن را تک علتی دانست بلکه در این ارتباط طیف گسترده‌ای از نظریه‌ها وجود دارد (شکرپیگی، ۲۰۱۴). به خصوص در جامعه عرب زبان که ساختار فرهنگی مردسالارانه آن، زمینه را برای خشونت فیزیکی در میان زنان عرب بیشتر فراهم می‌کند. از آنجا که سبک زندگی اقوام عرب به صورت عشیره‌ای و قبیله‌ای است و زنان در آن جامعه نقش کم

رنگی در مسایل زندگی دارند و در صورت دخالت زنان، مردان به آزار و اذیت و خشونت علیه زنان خواهند پرداخت و از ابزارهای مختلفی برای آزار دادن آن‌ها استفاده می‌کنند. هر دختر عرب در درجه اول باید با پسر عمویش ازدواج کند. اگر دختر یا خانواده او از این ازدواج ممانعت نماید نتیجه آن نه تنها درگیری بین دو خانواده بلکه نزاع‌های طایفه‌ای و عشیره‌ای خواهد بود. همچنین رسم‌های غلط در شب عروسی و رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی علیه زنان و رسم دم حجله ایستادن و تصاحب کردن جسم زن از سوی مرد و ... فشارهای روحی و روانی را برای زن به همراه خواهد داشت و از همان شروع زندگی زمینه‌ی خشونت فیزیکی علیه زن فراهم خواهد شد. رابطه‌ای که در آن مرد از همسر خود سوء استفاده فیزیکی یا کلامی می‌کند، حاکی از نیاز به تجدید نظر دوباره نسبت به رابطه قدرت بین زن و شوهر در جامعه است. برخی از نظریه‌ها عبارتند از: شمس اسفندآباد: ساخت قدرت، بر اساس رویکرد فمینیستی روابط دوجنس اساساً رابطه قدرت است. رابطه‌ای که در آن مرد از همسر خود سوء استفاده فیزیکی، کلامی یا روان شناختی کرده و با بکارگیری خشونت، قدرت و سلطه خود را تداوم می‌بخشد. بدین ترتیب خاتمه دادن به همسرآزاری مستلزم تجدید ساختار رابطه قدرت بین زن و مرد در جامعه است (شکرپیگی، ۲۰۱۴) والبی: فمینیست سوسیالیست، مردسالاری را به عنوان نظامی از ساختارها و عمل اجتماعی که در آن مردان بر زنان حاکمیت و سلطه دارند و آنان را استثمار می‌کنند تعریف می‌کند. والبی مردسالاری را متشکل از شش ساختار نسبتاً خود مختار در نظر می‌گیرد و معتقد است که چگونگی ترکیب متغیرهای این ساختار در جوامع مختلف انعطاف لازم را به نظام مرد سالاری می‌دهد. ساختاری ششگانه مدنظر والبی عبارت‌اند از: استثمار زنان و کار خانگی بدون دستمزد، روابط موجود در بازار کار، دولت، خشونت مردان

و جهان استفاده شده است. شخصیت‌هایی چون جلیس، والبی، دورکیم، آبوت، والاس، دلف، گانگ، تقی‌آزاد ارمکی، شمس اسفندآباد، امامی بور، اعزازی، مهدوی و صبوری که هر کدام اشاره‌هایی به متغیرهای این پژوهش دارند و فرضیه‌ها با بهره‌گیری از نظریات این‌ها اثبات می‌شوند. با توجه به مطالعات و بررسی پژوهش‌هایی که تاکنون در داخل و خارج از کشور در رابطه با خشونت فیزیکی علیه زنان توسط قاضی‌زاده، مارابی، لهسایی‌زاده، غضنفری، مستمع، نیازی، گی‌فورد، هوتالیگ، دشوگرمن، کیم سونگ، بوی موراش، جاکو، استیکلی و دیگران صورت گرفته است می‌توان به این نکته اشاره نمود که یافته‌های پژوهش نشان دهنده‌ی عللی چند در گرایش شوهر به خشونت علیه همسر است: اعتقاد شوهر به کلیشه‌های جنسیتی، تأثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی، شیوه‌ی انتخاب همسر، مرزهای بین اعضای خانواده، سن شوهر، تفاوت تحصیلات همسران (مارابی، ۲۰۰۵). همچنین برخی روش‌های زناشویی میان زوجین، تحمل آزار فیزیکی و خشونت در دوران کودکی از جانب شوهر، مشاهده‌ی خشونت پدر در خانواده، خاستگاه و رضایت‌مندی شوهر از زندگی زناشویی قرارگرفتن در شرایط کار غیرماهرانه، عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، سن ازدواج شوهر، اختلاف سنی همسران، قومیت شوهر، خویشاوند همسری، شغل شوهر نیز در گرایش شوهران به اعمال خشونت علیه همسران خود موثراند (استیکلی، ۲۰۰۸).

روش پژوهش

برخی از مسایل تحقیق اجتماعی، مستلزم روش‌های که در این مطالعه توصیفی-تحلیلی در منطقه ملاحظیه اهواز انجام شده و روش نمونه‌گیری در دسترس است. با توجه به موضوع تحقیق و در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش، انجام این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت گرفته است. از طریق فرمول

علیه زنان، روابط جنسی و فرهنگ جامع. در نظام مردسالاری که خود می‌تواند نشانگر تصاحب زن توسط مرد و کارکردن زن در خانه بدون دستمزد و اجبار به روابط جنسی بدون میل زن باشد، باید تعادل و توازنی را میان زن و مرد ایجاد نمود که چیزی به زور و اجبار نباشد بلکه به میل هر دو ی آنها انجام گیرد (والبی، ۱۹۹۰). جلیس: تصور اقتدارگرایانه از مرد و تصور فرمانبردارانه از زن به واسطه اینکه باعث انتقال نابرابری به نسل‌های آینده می‌شود به عنوان یکی از متغیرهای اصلی تاثیرگذار بر خشونت علیه زنان دارای اهمیت فراوانی است. این مطالعات بیشتر به نقش گرایش‌ها و ارزش‌های فرهنگی در توسعه خشونت علیه زنان پرداخته‌اند و آن را تابعی از باورهای اجتماعی و فرهنگی فرد می‌دانند. جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده، باعث استمرار روابط نابرابر قدرت در بسیاری از خانواده‌ها و شکل‌گیری خشونت علیه زنان خواهد شد. و برعکس مورد تشویق واقع شده و تقویت می‌گردد. مشاهده و تجربه بدرفتاری از ناحیه والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌آمیز توسط مرد و آموختن تحمل توسط زن می‌شود (جلیس، ۱۹۷۸). دورکیم: حمایت اجتماعی در جریان فعالیت مذهبی فرد در زنجیره‌ای از گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که وی را به دلیل حمایت اجتماعی که از او می‌شود در مقابل بی‌هنجاری و خشونت خانگی مصون نگه می‌دارد. بنابراین به منظور به کارگیری این دو متغیر در تحقیق از نظریه نظم اجتماعی به طور کلی و نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم در تحقیق خود پیرامون خودکشی عنوان کرده است که افزایش توانایی زنان آسیب دیده برای دستیابی به حمایت اجتماعی و منابع مادی مهم است، زیرا که ممکن است افراد را از درگیری در رفتارهای خودکشی محافظت کنند (غضنفری، ۲۰۱۰). بنابراین در این پژوهش از نظریات صاحب نظران مختلف در ایران

از نرم افزار آماری spss استفاده شد. آمار توصیفی که الگوی پاسخ های افراد نمونه را تلخیص می کند. با در نظر گرفتن پرسشنامه با پنج مقیاس: کاملاً موافقم، موافقم، کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم که از طیف لیکرت استفاده و فرد مورد بررسی قرار داده شده است. این پرسشنامه از سوالات خودخواسته با توجه به تئوری و نظریات طراحی شده است. و دارای روایی و پایایی می باشد. در مطالعه پایایی این آزمون با استفاده از بازآزمایی ۸۴۸٪ برآورده شده است. و از نظر دموگرافیک سطح تحصیلات و سن افراد مورد مطالعه از طریق چک لیست ثبت شده است.

کوکران $p=0/5$ احتمال وجود صفت، $q=0/5$ احتمال عدم وجود صفت، $t=1/96$ درجه اطمینان، $d=0/045$ احتمال خطا، N = حجم جامعه آماری ۶۰۰ نفر، n = حجم نمونه آماری، تعداد ۳۱۰ نفر زنان انتخاب گردید. پرسشنامه به صورت سوالات خود ساخته و با توجه به نظریات و تئوری های پژوهش طراحی شده است روش اجرای طرح بدین صورت بوده که پس از تعیین حجم نمونه، با شورای حل اختلاف (بخش خانواده) برای انجام طرح گردآوری اطلاعات هماهنگی های لازم به عمل آمد و هدف از انجام این پژوهش شرح داده شد و به افرادی که قصد تکمیل پرسشنامه را داشتند هماهنگ گردید. پس از انجام جمع آوری اطلاعات، برای انجام پردازش اطلاعات

جدول ۱: مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیرها	پرسش نامه	ضریب آلفا
	تعداد گویه	
اعمال قدرت	۷	۰/۹۳۳
مردسالاری	۷	۰/۹۲۵
تحصیلات زنان	۷	۰/۸۶۵
پایگاه اقتصادی	۷	۰/۸۴۱
حمایت اجتماعی	۷	۰/۷۸۲
تفاوت فرهنگی	۷	۰/۷۳۸

آمار توصیفی: در این بخش به توصیف برخی از متغیرهای تحقیق پرداخته می شود و علاوه بر جدول فراوانی و توصیف داده ها به سهولت می توان به رابطه های موجود بین متغیرهای مورد سنجش پی برد.

جدول ۲ توزیع فراوانی سن پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد
زیر ۱۶ سال	۵۷	۱۹
۱۸-۱۶	۵۶	۱۸/۶۷
۲۱-۱۹	۳۷	۱۲/۶۷
۲۴-۲۲	۲۹	۱۰/۲۱
۲۷-۲۵	۴۹	۱۶/۳۳

۳۰-۲۸	۴۰	۱۳/۳۳
۳۳-۳۱	۱۷	۵/۶۷
۳۶-۳۴	۱۱	۳/۶۷
۳۷ به بالا	۱۴	۴/۶۶
جمع	۳۱۰	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲، بین سن افراد مورد مطالعه و خشونت آنان روابط معناداری وجود دارد و می‌توان بیان کرد که بیش‌ترین درصد پاسخگویان به ترتیب سن زیر ۱۶ سال و بعد از آن ۱۸-۱۶ و ۲۷-۲۵ سال بوده‌اند.

جدول ۳: توزیع فراوانی سطح تحصیلات پاسخگویان

مدرک تحصیلی	فراوانی	درصد
ابتدایی	۹۰	۳۰/۳۳
زیر راهنمایی - راهنمایی	۶۴	۲۱/۳۳
زیر دیپلم - دیپلم	۵۶	۱۸/۶۷
فوق دیپلم - کارشناسی	۱۰۰	۳۲/۶۷
جمع	۳۱۰	۱۰۰

با توجه جدول ۳، توزیع فراوانی سطح تحصیلات پاسخگویان با خشونت فیزیکی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل پژوهش با خشونت فیزیکی علیه زنان

نام متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
مرد سالاری	۰/۹۵۰	۰/۰۰۰
اعمال قدرت	۰/۸۲۹	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰/۷۹۰	۰/۰۰۰
تحصیلات زنان	۰/۷۲۳	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰
تفاوت‌های فرهنگی	۰/۶۸۹	۰/۰۰۰

تحصیلات زنان، پایگاه اقتصادی، تفاوت فرهنگی به ترتیب در مراحل بعد قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج مطالعه انجام شده از خشونت بین زنان در منطقه ملاحیه اهواز از استان خوزستان و ارتباط معناداری با متغیرهای مستقل اول تا ششم، در گزارش این پژوهش

با توجه به جدول شماره ۴، بین شاخص مردسالاری و اعمال قدرت که بالاترین ضریب همبستگی را به خود اختصاص داده است می‌توان نتیجه گرفت که رابطه معناداری با خشونت زنان دارند. متغیر حمایت اجتماعی،

زنان رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهد. در متغیرحمایت اجتماعی است بین تمام شاخص‌های با سطح اطمینان ۰/۷۹۰ و میزان خشونت در بین زنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد. برای اثبات این فرضیه از سوال ۸ الی ۱۴ پرسشنامه استفاده شده است. و با نظریه دورکیم (غضنفری، ۲۰۱۰) از حمایت اجتماعی سازگار است که این نظریه حاکی از آن است که فرد در جریان فعالیت مذهبی در زنجیره‌ای از گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که وی را به دلیل حمایت اجتماعی که از او می‌شود در مقابل خشونت در امان نگه می‌دارد و از این جهت افزایش توانایی زنان آسیب دیده برای دستیابی به حمایت اجتماعی بسیار مهم است زیرا از خودکشی آنان جلوگیری می‌کند. در این پژوهش نیز در میان زنان قومیت عرب منطقه ملاحیه اهواز، چون در خانواده هیچ نوع حمایتی از زن نمی‌شود، متغیر مستقل حمایت اجتماعی با میزان خشونت در بین زنان رابطه‌ی معناداری را نشان می‌دهد. در متغیر تحصیلات زنان بین تمام شاخص‌های با سطح اطمینان ۰/۷۲۳ و میزان خشونت بین زنان رابطه معناداری وجود دارد. برای اثبات این فرضیه از سوالات ۱۵ تا ۲۱ پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌ها به لحاظ آماری معنادار است و نیز با نظریه مهدوی و صبوری (مهدوی، ۲۰۰۳) از نقش تحصیلات در قدرت تصمیم‌گیری در خانواده سازگار است. در این نظریه زن و شوهر به میزان برخورداری هر یک از آنها از تحصیلات، دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده‌اند. البته پایین بودن سطح تحصیلات مرد گاه باعث سرافکندگی او شده و برای جبران این ناکامی و تحقیر به اعمال خشونت علیه زن رو می‌آورد. در این پژوهش نیز در میان قومیت عرب منطقه ملاحیه اهواز، چون بر این اعتقادند که زن یا دختر نباید از خانه دور شود و اگر تحصیل کند تبدیل به یک زن افسارگسیخته می‌شود که نمی‌توان آن را کنترل کرد به زنان

به ترتیب رابطه این متغیرها بامتغیر وابسته بیان می‌شود. در متغیر مردسالاری بین تمام شاخص‌های با سطح اطمینان ۰/۹۵۰ و خشونت بین زنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد برای اثبات این فرضیه از سوالات ۲۵ تا ۳۱ پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌ها به لحاظ آماری معنادار است و نیز با نظریه والبی سازگار است. در این نظریه تصور غلط مردان در خصوص فرمانبرداری زنان از آنها باعث نابرابری‌هایی شده است که در آن مردان بر این اعتقادند که زن به عنوان مستعمره باید در سلطه و حاکمیت آنها قرار گیرد و اوامر آنها را بدون چون و چرا بپذیرند (همتی، ۲۰۰۴). جامعه پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده، باعث استمرار روابط نابرابر قدرت در بسیاری از خانواده‌ها و شکل‌گیری خشونت علیه زنان خواهد شد (جلیس، ۱۹۷۸). در این پژوهش نیز در میان قومیت عرب منطقه ملاحیه اهواز، این خصلت به وضوح دیده می‌شود. بنابراین متغیر مستقل مردسالاری با خشونت در بین زنان رابطه معناداری را نشان می‌دهد و بین اعمال قدرت با شاخص‌های با سطح اطمینان ۰/۸۲۹ و میزان خشونت در بین زنان رابطه معناداری وجود دارد. برای اثبات این فرضیه از سوال ۱ تا ۷ پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌ها به لحاظ آماری معنادار است، و بانظریه‌های اسفندآباد و امامی پور و اعزازی در اعمال قدرت در خانواده سازگار است که در این نظریه‌ها می‌توان خانواده را یک نظام اقتداری دانست که هر گاه در آن تمام تصمیم‌گیری با مرد باشد در زمانی که فرآیندهای زندگی در خانواده خود را به شیوه تضاد نشان دهد باعث اعمال قدرت از سوی مرد می‌شود. در این پژوهش نیز در قومیت عرب منطقه ملاحیه اهواز چون مرد، با روحیه عشیره‌ای و قبیله‌ای، خود را در رأس خانواده می‌داند و قدرت از آن اوست بنابراین متغیر مستقل اعمال قدرت با میزان خشونت در بین

متنوعی وجود دارد به طوری که گروه‌های خاصی ممکن است خشونت را بیش از دیگران بپذیرند چنانکه پذیرش خشونت در خانواده‌های طبقه پایین جامعه بیشتر است و از این دیدگاه خشونت هنجاری فرهنگی است. در این پژوهش هر چند به دلیل وجود یک‌دست بودن فرهنگ قومیت عرب در این منطقه که تفاوت فرهنگی جدی وجود ندارد ولی به خاطر ضعف هنجارهای فرهنگی، ازدواج‌های تحمیلی، فامیلی، قومیتی و بدون شناخت از یکدیگر زمینه خشونت فیزیکی را در خانواده‌ها به ویژه خانواده‌های طبقه پایین جامعه فراهم می‌کند (والبی، ۱۹۹۰). این که نوع نگاه جنسیتی نسبت به زنان و در رأس قرار دادن مرد در خانواده خود توانسته تحقیر زن را به همراه داشته باشد. بنابراین متغیر مستقل تفاوت‌های فرهنگی با میزان خشونت فیزیکی علیه زنان رابطه‌ای معنادار را نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌های مطالعات مختلف، به نظر می‌رسد در منطقه ملامشبه اهواز تعداد زنانی که ظن به خشونت آنها می‌رود، رقم نسبتاً بالایی باشد. خشونت جنسی در منطقه ملامشبه به طریق رابطه جنسی از روی اجبار و در دوران حیض و مواقع بیماری زن صورت می‌گیرد و زن به هر شکل ممکن که می‌تواند باید در اختیار مرد قرار گیرد و هر جور که مرد می‌خواهد با او روابط زناشویی برقرار کند که این نوعی خشونت است (مالجو، ۲۰۰۶). مرد با فحش دادن و حرف‌های رکیک در مقابل دیگران و مورد تمسخر قرار دادن زن و تهدید او به وارد کردن آسیب، به اعمال خشونت می‌پردازد و زن همیشه در مقابل او سکوت می‌کند و هیچ‌گونه حرفی در دفاع از خود ندارد (جوانمرد، ۲۰۰۴). زن اجازه شکایت و پی‌گیری در دادگاه را ندارد چون عواقب خطرناکی را برای زن به همراه خواهد داشت حتی احتمال مرگ او وجود دارد. زنان این منطقه دارای سردردهای شدید و عدم تعادل روحی و روانی‌اند و همیشه حرف زدن آنها با گریه کردن و

برای تحصیلات و یا ادامه تحصیل اجازه نمی‌دهند بنابراین زنان در سطح پایینی از تحصیلات قرار دارند و قدرت آنها را در تصمیم‌گیری در خانواده به شدت کاهش می‌دهد. بنابراین متغیر مستقل تحصیلات زنان با خشونت در بین زنان رابطه معناداری را نشان می‌دهد. در متغیر پایگاه اقتصادی بین تمام شاخص‌های با سطح اطمینان ۰/۷۱۲ خشونت در بین زنان رابطه معناداری وجود دارد. برای اثبات این فرضیه از سوالات ۲۲ تا ۲۸ پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین‌ها به لحاظ آماری معنادار است و نیز با بیشتر نظرات اندیشمندان از جمله مهدوی و صبوری (مهدوی و همکاران، ۲۰۱۰) از نقش قدرت مالی و پایگاه اقتصادی در قدرت تصمیم‌گیری در خانواده سازگار است. در این نظریه قدرت مالی زن یا مرد در میزان قدرت تصمیم‌گیری او در خانواده موثر است هر چند بی‌کاری شوهر و تحت فشار بودن اقتصاد خانواده نیز سبب خشونت از سوی مرد بر زن خواهد بود. چنانکه رسکو (تانگ، ۲۰۰۳) معتقد است هر چه زنان به لحاظ اقتصادی استقلال بیشتری داشته باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که مردان برای تلافی مشکلات بیکاری و سرخوردگی از این که زنان، نان‌آور اصلی شده‌اند، دست به خشونت بزنند. در این پژوهش نیز در میان قومیت عرب منطقه ملامشبه اهواز، چون زنان در خانواده اغلب هیچ وقت قدرت مالی و پایگاه اقتصادی ندارند، متغیر مستقل پایگاه اقتصادی با خشونت در بین زنان رابطه‌ای معناداری را نشان می‌دهد. در متغیر تفاوت‌های فرهنگی بین تمام شاخص‌های با سطح اطمینان ۰/۶۸۹ خشونت در بین زنان رابطه‌ای معناداری وجود دارد. برای اثبات این فرضیه از سوالات ۲۹ تا ۳۵ پرسشنامه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت بین میانگین‌ها به لحاظ آماری معنادار است و نیز با نظریه گانگ سازگار است. در این نظریه هنجارهای فرهنگی

حمایت اجتماعی به طور تخصصی از سوی مسئولین و دولت صورت گیرد.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از مساعدت‌های زنان منطقه ملامشیه اهواز در پاسخ به سوالات پرسشنامه در این پژوهش شرکت نمودند؛ کمال تشکر و قدردانی را داریم.

References

- Ezazi S. Society Structure and Violence Against Women. *Social Welfare* 2005; 4 (14):59-96
- Kar M. Research on Violence Against Women in Iran: Women's Enlightenment and Studies 2003.
- Amiri Sahar, (2017), A Study of Factors Affecting Domestic Violence Against Women (Case Study: Kermanshah City), *Electronic Quarterly Journal of Legal Legal Research - Volume 1 - Number 2 - Summer 1397*, pp. 11-34.
- Darvishpour, Mehrdad, (1999), Why are men encouraged to commit violence against women? *Women's Magazine*, Year 8, No. 56, p.
- Mahdavi MS. Investigation of the structure of power distribution in the family. *Women Studies* 2003(2):9
- Shahla Azazi, The Hidden Reality of Domestic Violence, *Khorasan Journal of Domestic Violence and Hidden Angles*; 2001.
- Hojati Kermani Soodeh; Domestic Violence Against Women - A Social Perspective; *Journal: Women's Rights*, Bahman 2002; 12: 26-27.
- Shekarbeigi A, Mostame R. A meta-analysis of studies on violence against women 2014;15(2):153-77.
- Esfandabad S, Hasan Emamipour S. The prevalence of spouse abuse and its influencing factors. *Women's Research* 2003;1(4):28-95.
- Walby S. *Theorising Patriarchy*: Oxford: Basil Blackwell 1990. 214.
- Gelles, R. J. and M. A. Straus; Violence in the American family; *Journal of Social Issues* 1978; 35(2):15-39.
- Ghazanfari furquoiza ;Factors Influencing Violence Against Women in Lorestan Province; *Lorestan University of Medical Sciences Quarterly* 2010; 12(2),44: 5-11.

صدای ارزان همراه است و همیشه صدمات فیزیکی از سوی همسر خود می‌بینند این‌گونه زنان خواسته‌ها و آرزوهای خود را فراموش کرده و هرگز حق و حقوق خود را مطالبه نمی‌کنند و تا زمانی که اقتدار در خانواده در دست شوهر خانواده باشد حرف زدن زن فایده‌ای به همراه نخواهد داشت و خشونت در بین زنان همچنان وجود خواهد داشت (داودی، ۲۰۰۴) و زن در امورات زندگی هیچ‌گونه دخل و تصرف و اظهارنظری ندارد و این خود نوعی خشونت است. جداسازی جنسی (جنسیتی) در اتوبوس، ورودی مکان‌های عمومی، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و به‌تازگی پارک‌ها همچنین تاکسی‌های مخصوص بانوان، از مصادیق خشونت دیدگاهی (فرهنگی) است چرا که جداسازی زنان و مردان در دراز مدت، دور ماندن از اجتماع را در بر دارد و بی‌شک تنها زنان تحقیر نمی‌شوند، بلکه مردان هم نمی‌توانند با زنان رابطه انسانی برقرار کنند و این تبدیل به فرآیندی خواهد شد که نتیجه آن عقب‌ماندگی مردان و زنان آن جامعه را در پی خواهد داشت. در این منطقه هنوز به دلایل ناموسی دختران خود را به قتل می‌رسانند و در بررسی‌هایی که انجام شد به چند مورد دختر و زن برخوردیم که توسط برادر یا شوهر خود کشته شده بودند و پدر مقول با رضایت خود اسباب آزادی مرد قاتل از زندان را فراهم کرده بود. بدون اینکه مجازاتی در کار باشد و این دلیل بر وجود خشونت جسمی وحشتناکی است که در این منطقه هنوز به چشم می‌خورد و هیچ مرجع قانونی نتوانسته است جلوی این آسیب هولناک را بگیرد. تمامی مطالبی که در این مقاله ذکر شده است همه دلایلی برای وجود خشونت در بین زنان منطقه ملامشیه اهواز است. از آنجا که بر اساس نتایج بدست آمده از مطالعه حاضر، تعداد زیادی از زنان، خشونت بر اساس مردسالاری و اعمال قدرت مردان در خانواده بر آنها اعمال شده است، لذا در این زمینه باید برای این زنان اقدامات مشاوره‌ای و

Tong ARWC. A Multivariate Path Model for Understanding Male Spousal Violence Against Women: A Canadian Study: University of Toronto 2003.

Maljo M. Sexual violence, a shared experience for women. Zenestan 2006. p. 15.

Javanmard B. Violence against women and its types in radiation forum Iranian Criminal Law in Support of Victimized Women.2004.

Davoudi Mohajer F. Journalist and Women's Affairs Activist in Conversation with Iranian Feminist Forum 2004.

Marabi M. A Survey of Family Factors Affecting Violence Against Women in Kurdistan Province 2005;1:8.

Ghasemi Vahid ;Cronbach's alpha coefficient and its characteristics with emphasis on its applications in social studies; Journal of Humanities Research Isfahan University 2005;

Hemmati R.Factors Influencing Men's Violence Against Women (Case Study of Tehran Families). Social Welfare Quarterly 2004; 12: 122.

Mahdavi MS. Investigation of the structure of power distribution in the family. Women Studies 2003(2):9.

A Study of Comparative Rights of Violence among Women in Malachieh Region of Ahvaz

Leila Alipour³ *, Abdolsaed shogai⁴

Abstract

The study of women's rights is one of the most important fields of human rights and can be considered as an indicator of the human rights situation. Our society, like other countries, has paid much attention to this phenomenon and there are serious challenges in this regard, so any study and research Regarding violence and analysis of facts from different angles and its cultural, social, political, legal and criminological origins can be a way to improve security in all aspects and outline the future of society, especially in expanding judicial procedure and changing standards. Human rights to be effective. The aim of this study was to investigate the comparative law of violence among women in the Malachieh region of Ahvaz and its relationship with the variables of power, social support, women's education, economic status, patriarchy, cultural differences, age and education. The type of descriptive-analytical study is survey (quantitative) and the study population is Malachieh region of Ahvaz. The sampling method was cluster sampling and the sample size was 310 by Cochran's method, but in this study, due to the possible drop in the subject, 310 women were selected. The statistical population was ۶۰۰ women who were victims of violence. Data were collected using a questionnaire and the number of questionnaires was ۴۲, which were self-made from the theoretical foundations of the research to assess objective facts with a focus on variables and without evaluation and with independence of contexts. . Accepted. This study shows that ۸۴٪ of the subjects were subjected to violence and also to examine the variables and its relationship with violence between women, the results were as follows: Masculinity, the exercise of power, social protection, women's education, economic status, and cultural differences have been used to prove or disprove these hypotheses by Pearson correlation coefficient test and have been examined using analysis of variance. Research Findings: (Exercise of power 0.829), (Masculinity 0.950), (Social support 0.790), (Women's education 0.723), (Economic base 0.712), (Cultural differences 0.689) Level Significance is 0.000 which is calculated with an error of 0.05. Of course, its validity has been confirmed by the structural and formal content method and the reliability of the measurement has been confirmed by Cronbach's alpha formula (equal to 0.783). A large number of women have been subjected to violence based on patriarchy and male power in the family. In this regard, counseling and social support measures should be taken for these women by the authorities and the government.

Key words: Comparative law of violence, women, family, power exercises, women's education, social protection, economic status, patriarchy, cultural differences.

³. PhD in Women's Studies, Women's Rights in Islam, Visiting Lecturer at Payame Noor University. Email: alipour. leila 95@gmailo.com.

⁴. Instructor, Department of Theology, Payame Noor University, Iran Faculty Member Payame Noor University. Email: Sinoli87@yahoo.com